







## در شهر سرتانها

لزوم تاسیس یکدادخانه صلح  
هدان - مانکر امور حقوقی  
و تشکیل بروند های مندی کارمجم  
و رسید دی آن دادگاه پخش بیاشد.  
تاشون هدان دارای یک دادگاه  
صحن بود که از این نظر سرتاد  
امور ثابت است و زارت دادگستری  
دادگاه پخش بکری هم تائیس مابد  
ورود شردار  
هدان - آقای منصور چنی که  
بست شهدا را مددان داشتند  
و بدن وارد و مشغول کار شدند.  
در آن چشم افتاده خفه شد.  
چهار سال از ظهر را به درشترین امدادین  
سبلیل سیدر سول در شکنجه موقن که  
پیش از کدام از این دو دوست هم بل  
سلسله ادل و راهین شیخ برای محبت  
کفشار خود بیان می کردند - بالاخره  
و شیر دهون باز در شده افتاده غرفت  
میگردند. جانشیز از عماق در طبران  
دن شدو قبیله از میرای دادگستری  
تحت تعقیب است.

## تازل یهاد بان

لیخار - بیان نان سنگ از  
روز هنتم مرداد یکریان تازل یهاد  
و غلامه بلوهشت را با فروخته شود

تازل اهنت  
لیخار - این مکان است تصادفاً بازدار  
تازل یهاده شد که هنافه در طبران  
و اقی ملوب شد که هنافه در طبران  
تازل مات وجود داشته و مخصوصاً  
تایج میگردند از آماشکاهی و بیاش

میگردند در خون میلانیان و غیره کوه  
کردید و شک را و دل کردید

که این بیاری تهادیر این را از این  
تیکه و زیاد تر از اوقام متغیر  
میباشد.

هارقدر شیر بیشتر جوشیده شده

باشد کن موج خطر میگردد - بهین  
جهت ماست هیچکاه موج ناخوشی

میگردند. ذرا نوشیدن باز در  
جزیره مات واقع در کثار مدیرانه  
مشاهده شده بینیم چهت تبدیرانه  
هم میگویند.

پیش که یون میان چوشانیدن شیرهای  
میشود کمالاً زبان آور و ناخوشی زا  
میباشد و آن سیار خطر ناک بوده

و مدتها ممکن است میگردد بیاری در  
شک غاهری میگردد بصورت دانه

های مدور یا یض شکل بدون تغیر  
بدون غشاء محافظی باشد.

میباشد زیرا روی السه و ظروف  
آشیانه از ۱۵ الی ۲۰ روز دام

دارد در آب پیش از این هفتاده  
نمیگردند - در خاک پس ۳۰ ماه و نیم

ازین میور - در شیر ۲۰ روز پانی  
ی ماند و در اداره میلانیان با وجود این

بودن معطر و تجمع سار میگردد  
مهده ۲۴ روز دام میگردند. پیشین

مامل از برای این میگردد خود دام  
باشد چه کمایی درجه میگردد

در این میگردد و بیشتر دهند  
آن فروتنی یافه و بیشتر دارای آماشکاه

مصرف متنی از خطر ناک هفتاده  
ازین خاصیت برای کشت میگردد

استفاده میگردد.

در اداره میلانیان غالباً کرد  
فران است هنیکی از این میگردد

و سان دنی قیمت داشتند در این میگردد  
و شان میگردد که با آن حذف

و سلطنت شد، و همین طور دون اندان  
شکایت اهلی و مراجعت این چند خانه را

کشت میگردند. آقای شهردار  
دو نوشت نامه ای با عنوان آقای

سن هوشنگ از طرف اتحادیه شکایت  
غرب تهران پادشاه را میخواست

که طی آن نوشتند از طرف این چند میگردند

کشت سرتاده از طرف این چند میگردند

و باشند.

## تب مالت نور تهران

شیر بجوشیده و پنیر و کالباس موجود این بیماری است

علائم پیدایش این مرض چیست؟

و از هفتم جهه آن گذاشت؟

فام آقای دکتر سین رحیمی

دانشیار کرسی آمیز شناسی دانشکده، برشکر

حرب پهلوی دارم که درده مال

قیل دویکی از نامهای پریشک طهران

است سایر دامها از قیل کاو -

شوسنده - اسب - خوک نیز مکان

است بدین بیماری آزاده شود.

انسان ممکن است از راههای

کو ماکون بدین بیماری مبتلا گردد

سه لیل طرق اینه نوشیدن های بود

بیوشه و واگر آزاده های آن مخصوصاً

بله ادل و راهین شیخ برای محبت

کفشار خود بیان می کردند - بالاخره

پس از تهیه های این میگردند

سازی ملوب شد که هنافه در طبران

تیکه و وجود داشته و مخصوصاً

تایج میگردند از آماشکاهی و بیاش

میگردند در خون میلانیان و غیره کوه

که این بیاری تهادیر این را از این

تودید و شک را و دل کردید

که این بیاری تهادیر این را از این

کردند.

هر قدر شیر بیشتر جوشیده شده

باشد کن موج خطر میگردد - بهین

جهت ماست هیچکاه موج ناخوشی

میگردند. ذرا نوشیدن باز در

جزیره مات واقع در کثار مدیرانه

مشاهده شده بینیم چهت تبدیرانه

هم میگویند.

پیش که یون میان چوشانیدن شیرهای

میشود کمالاً زبان آور و ناخوشی زا

میباشد و آن سیار خطر ناک بوده

و مدتها ممکن است میگردد بیاری در

خلل و فرج آن زست شتابد.

امتناع که ذرا منضم خوار اشنه

میباشد زیرا برای نهاده آن شیر بیوشه

امتناع میگشند اینه هیچکاه

ازین تا عاده میگردند.

این شیری تهادیر این را از این

ازین میور - در شیر ۲۰ روز پانی

ی ماند و در اداره میگردند

و لوله کشی اینه هیچکه میگردند

## جرای امان

## دار ساختن بمب ائمی موفق نشد

-۱۵-

آب سکنیدهای مباروه و کنار ساحل  
میگذارند

در آن لحظه ای که «نوت» ماسه  
ریخته ای تا کسی بیاد نمیشود

معطی شد و آن را در آن ماسه  
آب سکنیدهای مباروه و کنار ساحل  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگذرد

این بیان میگردند که آن را در هنوز  
میگذارند

دوام دیگر «ایثار» یاری رساند  
که آن را در هنوز نمیگ



